فصلنامهٔ علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال نهم، شماره ۳۵

فقر کودکان و بازار کار در ایران

صفورا داورپناه*، حسین راغفر**، منیژه نخعی***

هدف: *مطالعهٔ ساختار بازار کار به‌منظور شناخت ارتباط بین نوع شغل، محل سکونت، ویژگی‌های سرپرست خانوار و نیز فقر کودکان راهنمای مناسبی برای سیاست‌گذاران در تخصیص منابع عمومی برای کاهش فقر کودکان است. هدف اصلی این مطالعه فراهم‌کردن تصویری روشن از وقوع فقر با توجه به ارتباط فقر کودکان با بازار کار در ایران است.*

روش‌شناسی: *با استفاده از داده‌های هزینهٔ درآمد خانوار ۱۳۸۵ مرکز آمار ایران ابتدا ترکیب بازار کار بر حسب مشاغل عمومی، خصوصی و اجاره بگیر تعیین و سپس با استفاده از شاخص فوستر، گریر، توربک (۱۹۸۴) خانوارهای فقیر شناسایی شدند. در ادامه بر اساس نوع شغل سرپرست خانوار، جنسیت، میزان تحصیلات و منطقهٔ سکونت (شهری ـ روستایی) خانوارهای فقیر در هر زیر گروه جمعیتی محاسبه، سپس نسبت کودکان عضو خانوارهای فقیر به تعداد کل کودکان محاسبه می‌شود. و در ادامه با توجه به ویژگی‌های این خانوارها به ارزیابی فقر کودکان می‌پردازیم.*

نتایج: *از جمله نتایج این مطالعه که می‌توان به آن اشاره کرد آن‌که جمعیت کثیری از کودکان فقیر (۸۰/۵۸ درصد) در خانوارهای با سرپرست مرد که در بخش خصوصی رسمی شاغل‌اند، زندگی خود را می‌گذرانند. ۴/۳۵ درصد فقر کودکان در خانوارهای زن سرپرست شاغل در بخش خصوصی قرار دارند. این تصویر از شیوع فقر در ایران، چالش‌های به شدت مهمی را برای موفقیت هر طرح به منظور اصلاح اقتصادی فراهم می‌کند.*

کلید واژه‌ها: بازار کار، چرخهٔ فقر، فقر کودکان، مشاغل رسمی و غیررسمی

تاریخ دریافت: ۸۹/۲/۱۲ تاریخ پذیرش: ۸۹/۵/۱۷

* کارشناس ارشد اقتصاد <raghfar@alzahra.ac.ir>

** دکتری اقتصاد، عضو هیات علمی دانشگاه الزهرا

*** کارشناس ارشد اقتصاد

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-03-29]

مقدمه

گام نخست در طراحی استراتژی کاهش فقر، با شناسایی جمعیت فقیر آغاز می‌شود. آمارهای ناکافی و یا فاقد کیفیت لازم در مورد وضع اقتصادی خانوارهای کشور از جمله موانع اساسی در طراحی سیاست‌های مؤثر برای کاهش فقر است. نقش بازار کار در تعیین وضع اقتصادی خانوارها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نوع شغل و دستمزد متناسب با آن، نقش اساسی در وضع اقتصادی خانوار ایفا می‌کند. به این ترتیب مطالعهٔ بازار کار و ارتباط آن با وضع اقتصادی و ویژگی‌های شغلی سرپرست خانوار، امکان مناسبی است که از موقعیت رفاهی خانوارها و اعضای آن‌ها در اختیار سیاستگذاران قرار می‌گیرد. اهمیت مطالعهٔ ارتباط بازار کار با ویژگی‌های نان‌آور خانوار وقتی برجسته‌تر می‌شود که به مطالعهٔ وضع کودکان در خانوارهای فقیر پرداخته شود. کودکان، آیندهٔ هر کشوری را رقم می‌زنند. آیندهٔ شکوفا و رو به رشد در هر جامعه‌ای فقط با سرمایه‌گذاری بر کودکان آن جامعه تضمین می‌شود. در مقابل، اشکال مختلف محرومیت‌های چندگانهٔ اقتصادی، آموزشی، بهداشتی و فرهنگی، آسیب‌های روحی جبران‌ناپذیری بر کودکان هر جامعه باقی می‌گذارد که هزینهٔ این آسیب‌ها در آینده به هر کشوری که چنین وضعی داشته باشد، تحمیل خواهد شد. به این ترتیب، مطالعهٔ فقر کودکان و ویژگی خانوارهایی که درآن به سر می‌برند ممکن است تصویر روشن‌تری در مقابل سیاست‌گذاران قرار دهد؛ تا با اتخاذ سیاست‌ها و اقدامات مناسب، آیندهٔ رو به رشد و شکوفایی را برای کشور تضمین کنند.

این مطالعه به بررسی ارتباط بازار کار و ویژگی‌های شغلی، جنسیتی، تحصیلی و جغرافیایی خانوارهای فقیر در کشور می‌پردازد. به این منظور پس از تعیین وضع بازار کار بر حسب مشاغل عمومی، خصوصی و اجاره‌بگیر به شناسایی خانوارهای فقیر پرداخته می‌شود. سپس فقر کودکان در مناطق شهری و روستایی محاسبه شده در ادامه به بررسی و مطالعهٔ ویژگی‌های این قبیل خانوارهایی که کودکان فقیر در آن‌ها به سر می‌برند، پرداخته می‌شود؛ از جمله وجوه مطالعه در مورد این خانوارها، تعیین سهم کالاهای اساسی مصرفی در سبد مصرف آن‌هاست.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-03-29]

این مطالعه ساختار بازار کار را با توجه به ویژگی‌های اجتماعی ـ اقتصادی خانوارهای فقیر روستایی و شهری مرتبط کرده است. با استفاده از داده‌های پیمایش درآمد ـ هزینه خانوارها در ۱۳۸۵، بازار کار به سه بخش عمومی، خصوصی و اجاره‌بگیر تقسیم و هرکدام از بخش‌های عمومی و خصوصی نیز با دو قسمت رسمی و غیررسمی از یکدیگر جدا شده‌اند. سپس ویژگی‌های سرپرست خانوار شامل جنسیت، تحصیلات و سبد مصرفی خانوار مورد بررسی قرار گرفته، در نهایت سیمای فقر کودکان در هر بخش به تصویر کشیده می‌شود.

در بخش دوم این مقاله، ضمن توصیف روش مورد استفاده برای اندازه‌گیری کودکان فقیر، مبانی نظری فقر کودکان افکنده به‌طور مختصر بررسی می‌شود. در بخش سوم تصویری از وضع بازار کار ارائه می‌شود. در ادامه پس از شناسایی خانوارهای فقیر و تعیین وضع شغلی سرپرست خانوار، ارتباط بین بازار کار و وضع اقتصادی خانوارهای فقیر بررسی می‌شود. سپس نسبت کودکان فقیر از کل کودکان جامعه محاسبه می‌شود و نتایج آن تحلیل می‌شوند. در بخش چهارم به جمع‌بندی نتایج و ارائهٔ توصیه‌های سیاستی پرداخته می‌شود.

۱) روش‌شناسی و مبانی نظری

کودکان سرمایه‌های آیندهٔ هر جامعه‌ای هستند. کودکان فقیر در خانوارهای فقیر به دنیا می‌آیند و در بسیاری از کشورهای در حال توسعه به دلیل نابرابری‌های ساختاری، پابه‌پای فقر رشد می‌کنند. به این ترتیب، خانوارهای فقیر نسل آینده بازتولید می‌شوند و چرخهٔ فقر همچنان به حرکت خود ادامه می‌دهد. از این منظر، مطالعهٔ فقر کودکان به معنای پدیده‌ای که در آن کودک در فقر به سر می‌برد؛ یا در خانوارهای فقیر و یا بدون سرپرست، از دست‌یابی به حداقل‌های یک زندگی انسانی ناتوان‌اند، حائز اهمیت است. با توجه به نقش برجستهٔ ساختار بازار کار در وقوع و شدت فقر میان اعضای جامعه، ابتدا ویژگی‌های این ساختار در ایران با استفاده از داده‌های پیمایش درآمد ـ هزینه خانوار در سال ۱۳۸۵ بررسی

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-03-29]

می‌شود و سپس سیمای فقر کودکان با توجه به این ویژگی‌ها توصیف خواهد شد.

در این مطالعه، بازار کل کشور به سه حوزهٔ مشاغل عمومی، خصوصی و اجاره‌بگیر[1] تقسیم می‌شود. مشاغل عمومی را عمدتاً دولت و بنگاه‌های بخش عمومی می‌گردانند. مشاغل خصوصی، که شامل بنگاه‌هایی با مالکان خصوصی است، عمدتاً به مشاغل رسمی و غیررسمی تفکیک می‌شوند. بخش اجاره‌بگیر شامل کسانی است که درآمدهای آن‌ها از کار به‌دست نمی‌آید بلکه از دریافت اجاره و یا پرداخت‌های انتقالی حاصل می‌شود. تمایز بین مشاغل رسمی و غیررسمی در پرداخت مالیات است. در این‌جا مشاغل غیررسمی مشاغلی هستند که مالیات نمی‌پردازند. مشاغلی همچون دست‌فروشی، مسافرکشی، کارگران ساختمانی و... از جملهٔ این موارد است.

با توجه به ساختار بازار کار در ایران احتمال دارد که صاحبان مشاغل غیررسمی، عمدتاً، قدرت چانه‌زنی کم‌تری در مقایسه با صاحبان مشاغل رسمی در تعیین دستمزدها داشته باشند؛ آن‌ها عمدتاً فاقد پوشش‌های بیمه‌ای هستند و مشمول حمایت‌های قانون کار نمی‌شوند. به این ترتیب در مقابل صدمه‌های اقتصادی بسیار آسیب‌پذیرتر از صاحبان مشاغل رسمی هستند. در صورتی که سرپرست این خانوارها زن باشد بدیهی است میزان آسیب‌پذیری خانوارهای زن‌سرپرست در بازار کار در مقایسه با خانوارهای مردسرپرست به مراتب بیشتر است. این تصویر با توجه به فقدان زیرساخت‌های نابرابری آمایشی و سرزمینی کشور در شهرها و روستاها، در مناطق روستایی به زیان خانوارهای با مشاغل غیررسمی و نیز زن‌سرپرست تمام شده است. عموماً افرادی که از آموزش‌های رسمی و فنی، و به‌ویژه تحصیلات عالی، برخوردارند در مقایسه با افرادی که فاقد این‌گونه آموزش‌ها هستند، توانایی به مراتب بیش‌تری در یافتن مشاغل با دستمزدهای بالاتر دارند. نقش دستمزدها در تعیین سطح زندگی خانوارها بسیار تعیین‌کننده است. به این ترتیب، کودکانی که در خانوارهایی که سرپرست آن‌ها دارای شغل غیررسمی و فاقد تحصیلات عالی هستند، بیشتر در معرض قرارگرفتن در زیر خط فقر هستند. این تصویر وقتی بدتر

1. Rentier

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-03-29]

می‌شود که سرپرست خانوار، زن و ساکن روستا باشد.

در این مطالعه کوشش بر این است که تصویر روشنی از وضع فقر کودکان در مناطق شهری و روستایی ارائه شود. به این منظور، علاوه بر ویژگی‌های سرپرست این خانوارها، نسبت مخارج کالاهای اساسی این دسته از خانوارها نسبت به مخارج کل آن‌ها نیز محاسبه و ارزیابی می‌شود.

۲) اجرای مدل

همان‌طور که اشاره شد با استفاده از داده‌های هزینهٔ درآمد خانوارها در ۱۳۸۵، بازار کار کشور به تفکیک در سه بخش عمومی، خصوصی و اجاره‌بگیر شناسایی می‌شود. جدول شماره ۱ این تصویر را به روشنی در اختیار ما می‌گذارد. در این قسمت صرفاً افراد شاغل در بازار کار در نظر گرفته شده‌اند. بر این اساس، از کل شاغلان فعال در بازار کار کشور به ترتیب ۷۶ درصد در بخش خصوصی، ۲۰ درصد در بخش عمومی و ۴ درصد اجاره‌بگیر هستند. این نسبت در جامعهٔ شهری به ترتیب ۷۳ درصد، ۲۴ درصد و ۳ درصد و در جامعهٔ روستایی، ۸۵ درصد، ۱۰ درصد و ۵ درصد است.

جدول ۱: سهم بخش‌های مختلف مشاغل در بازار کار کشور، ۱۳۸۵

	خصوصی	عمومی	سرمایه‌دار
شهری	۷۳ درصد	۲۴ درصد	۳ درصد
روستایی	۸۵ درصد	۱۰ درصد	۵ درصد
کل	۷۶ درصد	۲۰ درصد	۴ درصد

منبع: یافته‌های پژوهش

در جدول شمارهٔ ۱ داده‌های مذکور به تفکیک بخش‌های مختلف بازار کار در جوامع

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-03-29]

شهری، روستایی و کل کشور نشان داده شده است.

براساس داده‌های پیمایش هزینهٔ درآمد خانوار در ۱۳۸۵، سهم مشاغل رسمی و غیررسمی از بازار کار کشور به ترتیب ۴۷ درصد و ۵۳ درصد در کل کشور است. این نسبت در جامعهٔ شهری، ۵۷ درصد رسمی و ۴۳ درصد غیررسمی و در جامعهٔ روستایی، ۲۲ درصد رسمی و ۷۸ درصد غیررسمی است. جدول شماره ۲ نسبت مشاغل رسمی و غیررسمی را از سهم بخش‌های مختلف مشاغل در بازار کار کشور در ۱۳۸۵ نشان می‌دهد.

بر اساس نتایج مطالعهٔ داورپناه (۱۳۸۷) که علاوه بر شاغلان بازار کار، گروه‌های بازنشستگان و سایرین را که نوعاً از طریق کمک‌های بلاعوض و پرداخت‌های انتقالی زندگی می‌کنند، در نظر گرفته است، تصویر بازار کار کشور بدون توجه به وضع بیکاران در جدول شمارهٔ ۲ تصویر شده است.

جدول ۲: نسبت مشاغل رسمی و غیررسمی به تفکیک مناطق شهری، روستایی و کل کشور، ۱۳۸۵

مشاغل رسمی	مشاغل غیررسمی	
۵۷ درصد	۴۳ درصد	شهری
۲۲ درصد	۷۸ درصد	روستایی
۴۷ درصد	۵۳ درصد	کل کشور

منبع: یافته‌های پژوهش

سهم ۵۳ درصدی بازار کار غیررسمی در کشور حکایت از نابسامانی زیادی در بازار کار کشور دارد. کیفیت نازل داده‌های بازار کار در کشور سبب می‌شود که بخش زیادی از جمعیت شاغل در کشور قابل ردگیری در تحلیل‌های گوناگون اقتصادی نباشد و همین امر امکان مدیریت و سیاست‌گذاری دولت را در بازار کار به شدت تضعیف کند. نسبت مشاغل رسمی به غیررسمی در دو جامعهٔ شهری و روستایی نشان می‌دهد که عمده مشاغل

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-03-29]

دولتی و بخش عمومی در جامعهٔ شهری متمرکز است و همین امر نشان‌دهندهٔ تفسیر دیگری از نابرابری‌های درآمدی وعدم توازن بین شهر و روستا و نیز نابرابری‌های آمایشی در میزان توسعه یافتگی است.

در جدول شمارهٔ ۳ و نمودارهای شماره ۴، ۵ و ۶ نسبت مشاغل رسمی و غیررسمی از سهم بخش‌های مختلف وضعیت شغلی در بازار کار کشور نشان داده شده است.

جدول ۳: نسبت مشاغل رسمی و غیررسمی در بخش‌های مختلف مشاغل در بازار کار کشور، ۱۳۸۵

	خصوصی		عمومی		اجاره بگیر	
	رسمی	غیررسمی	رسمی	غیررسمی	رسمی	غیررسمی
شهر	۱۷ درصد	۵۶ درصد	۲۲ درصد	۲ درصد	-	۳ درصد
روستا	۱۰ درصد	۷۵ درصد	۹ درصد	۱ درصد	-	۵ درصد
کل کشور	۳۶ درصد	۴۰ درصد	۱۷ درصد	۳ درصد	-	۴ درصد

منبع: یافته‌های پژوهش

۳) سیمای فقر در ایران با تأکید بر بازار کار

در جدول شمارهٔ ۴ سیمای فقر در ایران برحسب نوع شغل و جنسیت سرپرست خانوار به تفکیک جامعهٔ شهری، روستایی و نیز کل کشور برای سال ۱۳۸۵ نشان داده شده است. با توجه به آمارهای به دست آمده (داورپناه، ۱۳۸۵)، ۳۲/۷ درصد از جمعیت کل کشور، ۳۲ درصد از جمعیت شهرنشین و ۳۴ درصد از جامعهٔ روستایی را فقرا تشکیل می‌دهد. ۸۶/۲۵ درصد فقرای کل کشور، در خانواده‌هایی به سر می‌برند که شغل سرپرست خانوار غیررسمی است و ۱۳/۷۵ درصد فقرا در خانواده‌هایی به سر می‌برند که سرپرست خانوار دارای شغل رسمی است. در جمعیت شهرنشین ۸۱ درصد از فقرا در خانواده‌هایی به سر می‌برند که شغل سرپرست خانوار غیررسمی است و ۱۹ درصد از آنان در خانواده‌هایی مستقر هستند که شغل

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-03-29]

سرپرست خانوار، رسمی است. در روستاها نیز ۹۶ درصد از فقرا در خانوادههایی هستند که شغل سرپرست خانوار غیررسمی است و ۴ درصد آنها نیز در خانوادههایی بهسر میبرند که شغل سرپرستشان رسمی است. بنا بر محاسبات انجامشده از کل خانوارهای زنسرپرست در کل کشور، ۴۸/۸۵ درصد آنان را فقرا تشکیل میدهند که این نسبت به ترتیب در شهر ۴۵ درصد و در روستا ۵۶ درصد است. در ضمن ۳۰/۳۵ درصد از کل خانوارهای مردسرپرست در کل کشور را فقرا تشکیل میدهند که این نسبت به ترتیب در جامعهٔ شهری ۳۰ درصد و در جامعهٔ روستایی ۳۱ درصد است. نکتهٔ شایان توجه، تراکم بسیار زیاد فقرا در خانوارهایی است که شغل سرپرست آنان در بخش غیررسمی است. این نکته حاکی از آن است که حاکم نبودن قوانین کار و فقدان پوششهای بیمهای، شاغلان در بخش غیررسمی را بسیار آسیبپذیر کرده است. نکتهٔ دیگری که در این باره میتوان به آن اشاره کرد، همانگونه که در جدول شمارهٔ ۴ نشان داده شده است، عمدهٔ این افراد فاقد مهارتهای کافی برای رهایی از فقر هستند. این دو عامل مبیّن گرفتار شدن افراد در تلههای فقر هستند که خروج از این تلهها در گرو سیاستگذاریهای مناسب بخش عمومی است. از نسبت ۹۶ درصدی فقرای جامعهٔ روستایی و ۸۱ درصدی فقرای جامعهٔ شهری که شغل سرپرست آنها در بخش غیررسمی است، شدت و گستردگی بیشتر بحران در جامعهٔ روستایی کشور نمایان است.

نکتهٔ شایان توجه دیگر نسبت بسیار بالای فقر در میان خانوادههای زنسرپرست است. حدود ۱۰ درصد کل خانوارهای کشور را خانوارهای زنسرپرست تشکیل میدهند که حدود نیمی از آنها زیر خط فقر مطلق قرار دارند. این نگرانی در جامعهٔ روستایی (۵۶ درصد) نسبت به جامعهٔ شهری (۴۵ درصد) بیشتر است. از میان حدود ۹۰ درصد خانوارهای مردسرپرست در کل کشور، بالغ بر ۳۰ درصد را خانوارهای فقرا تشکیل میدهند. این نسبت در جامعهٔ شهری و روستایی تفاوت محسوسی ندارد. آمار توصیفشده نشاندهندهٔ آن است که خانوادههای زنسرپرست در کل کشور ۱/۶ برابر خانوارهای مردسرپرست در معرض آسیبپذیری از فقر قرار دارند. شدت این نسبت در جامعهٔ روستایی ۱/۸ برابر و در جامعهٔ شهری ۱/۵ برابر است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-03-29]

جدول ۴: نسبت مشاغل رسمی و غیررسمی بخش‌های مختلف شغلی در بازار کار کشور، ۱۳۸۵

جامعه مرد سرپرست فقیر	نسبت خانوارهای مردسرپرست	جامعه زن سرپرست فقیر	نسبت خانوارهای زن‌سرپرست	جامعه فقیر دارای شغل رسمی	جامعه فقیر غیررسمی	
۳۰ درصد	۹۰/۷۵ درصد	۴۵ درصد	۹/۲۵ درصد	۱۹ درصد	۸۱ درصد	جامعهٔ شهری
۳۱ درصد	۹۰ درصد	۵۶ درصد	۱۰ درصد	۴ درصد	۹۶ درصد	جامعهٔ روستایی
۳۰/۳۵ درصد	۹۰/۴۹ درصد	۴۸/۸۵ درصد	۹/۵۱ درصد	۱۳/۷۵ درصد	۸۶/۲۵ درصد	کل کشور

منبع: یافته‌های پژوهش

۱-۳) ترکیب گروه کالاهای اساسی در سبد خانوارهای فقیر

نظر به اهمیت نقش کالاهای اساسی در شکل‌گیری رفاه خانوارهای فقیر و اهمیت سهم این کالاها در سبد مصرفی آن‌ها و همچنین به منظور سیاست‌گذاری عمومی، در این بخش به بررسی سهم گروه کالاهای غذایی، مسکن، آموزش و بهداشت در سبد خانوارهای فقیر که شغل سرپرست خانوار آن‌ها از میان مشاغل عمومی، خصوصی و سرمایه‌دار با نوع مشاغل رسمی و غیررسمی تفکیک می‌شوند، پرداخته می‌شود.

نتایج به دست آمده در این بخش ممکن است راهنمای مناسبی برای سیاست‌گذاران در تخصیص یارانه‌ها و تنظیم سیاست‌های عمومی به منظور ارائهٔ خدمات عمومی در بخش‌های غذا، مسکن، آموزش و بهداشت باشد. این چهار گروه کالاهای اساسی خانوارها بیشترین سهم را در شکل‌گیری رفاه خانوارها ایفا می‌کنند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-03-29]

جدول ۵: نسبت مخارج گروه‌های کالایی از مخارج کل خانوارهای فقیر شهری، ۱۳۸۵

طبقه‌بندی مشاغل	سرمایه‌دار		خصوصی		عمومی	
گروه کالایی	غیررسمی	رسمی	غیررسمی	رسمی	غیررسمی	رسمی
غذا	۳۱/۸۵ درصد	-	۳۵/۳۴ درصد	۲۷/۷۴ درصد	۲۹/۷۸ درصد	۲۴/۴۵ درصد
مسکن	۹/۴۷ درصد	-	۳۵/۳۹ درصد	۳۰/۰۶ درصد	۳۲/۸۰ درصد	۲۴/۸۵ درصد
آموزش	۱/۴۴ درصد	-	۰/۸۴ درصد	۱/۰۹ درصد	۱/۱۰ درصد	۱/۰۲ درصد
بهداشت	۴/۶۴ درصد	-	۳/۹۳ درصد	۲/۸۹ درصد	۲/۶۵ درصد	۲/۲۶ درصد

منبع: یافته‌های پژوهش

یافته‌های به دست آمده در جدول شماره ۵ مؤید نظریهٔ انگل است که بنا بر آن سهم کالاهای اساسی از مخارج کل خانوار با وضعیت رفاهی خانوار نسبت معکوس دارد. سهم غذا و مسکن از کل مخارج فقیرترین گروه فقرا در محاسبات ما که در طبقه‌بندی مشاغل خصوصی غیررسمی قرار دارند (به ترتیب ۳۵/۳۴ درصد و ۳۵/۳۹ درصد) نسبت به فقرای طبقه‌بندی مشاغل خصوصی رسمی (به ترتیب ۲۷/۷۴ درصد و ۳۰/۰۶ درصد) و نیز فقرای موجود در طبقه‌بندی مشاغل عمومی غیررسمی (به ترتیب ۲۹/۷۸ درصد و ۳۲/۰۸ درصد) و عمومی رسمی (به ترتیب ۲۴/۴۵ درصد و ۲۴/۸۵ درصد) بیشتر است. به این معنا که هرچه سهم گروه کالاهای اساسی از مخارج کل خانوارها بیشتر باشد محرومیت آن دسته از خانوارها بیشتر خواهد بود. به این ترتیب بر اساس یافته‌های جدول شماره ۵ می‌توان گروه‌های فقیر را بر حسب سهم غذا از کل مخارج آن‌ها رتبه‌بندی کرد. بر این اساس می‌توان توقع داشت فقیرانی که سرپرست خانوار آن‌ها شغل خصوصی غیررسمی دارند بالاترین میزان و شدت فقر را در میان گروه‌های فقیر داشته باشند و به ترتیب فقرای مستقر در گروه‌های شغلی غیررسمی بخش عمومی غیررسمی، بخش خصوصی رسمی و بخش عمومی رسمی در رتبه‌های بعدی، از نظر وقوع و شدت فقر، قرار دارند. نکتهٔ شایان توجه در این رتبه‌بندی این است که سه گروه نخست فقرا در بخش غیررسمی بازار کار فعالیت دارند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-03-29]

جدول۶: نسبت مخارج گروه‌های کالایی از مخارج کل خانوارهای فقیر روستایی، ۱۳۸۵

طبقه‌بندی مشاغل	سرمایه‌دار		خصوصی		عمومی	
گروه کالایی	غیررسمی	رسمی	غیررسمی	رسمی	غیررسمی	رسمی
غذا	۴۵/۹۹ درصد	-	۴۶/۴۴ درصد	۳۶/۷۱ درصد	۳۹/۵۰ درصد	۲۵/۸۴ درصد
مسکن	۱۶/۸۰ درصد	-	۲۰/۵۴ درصد	۲۱/۳۰ درصد	۱۵/۲۵ درصد	۱۴/۸۳ درصد
آموزش	۷/۹۵ درصد	-	۱۰/۱۸ درصد	۲۳/۲۹ درصد	۱۰/۹۷ درصد	۲۵/۳۰ درصد
بهداشت	۶/۱۷ درصد	-	۴/۲ درصد	۲/۴۷ درصد	۵/۰۸ درصد	۱/۶۹ درصد

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول۷: نسبت مخارج گروه‌های کالایی از مخارج کل خانوارهای فقیر در کل کشور- ۱۳۸۵

طبقه‌بندی مشاغل	سرمایه‌دار		خصوصی		عمومی	
گروه کالایی	غیررسمی	رسمی	غیررسمی	رسمی	غیررسمی	رسمی
غذا	۳۶/۸۰ درصد	-	۳۹/۲۲ درصد	۳۰/۸۸ درصد	۳۳/۱۸ درصد	۲۴/۹۴ درصد
مسکن	۳۱/۵۳ درصد	-	۳۰/۱۹ درصد	۲۷ درصد	۲۶/۶۶ درصد	۲۵/۲۰ درصد
آموزش	۳/۷۲ درصد	-	۴/۱۰ درصد	۸/۸۶ درصد	۴/۵۵ درصد	۹/۵۲ درصد
بهداشت	۵/۱۷ درصد	-	۴/۰۲ درصد	۲/۷۴ درصد	۳/۵۰ درصد	۲/۰۶ درصد

منبع: یافته‌های پژوهش

۲-۳) سیمای فقر در ایران بر حسب نوع شغل و به تفکیک جنسیت، مهارت و مکان سکونت - ۱۳۸۵

جدول شماره ۸ سیمای فقر در ایران را بر حسب مشاغل به تفکیک جنسیت، مهارت و مکان سکونت نشان می‌دهد. نتایج حاصل از یافته‌های پژوهش در این جدول، حاکی از آن است که از جمع فقرا در کل کشور ۴/۷۶ درصد آنان در خانوارهایی با سرپرست مرد که دارای شغل عمومی هستند، به سر می‌برند که از این میان ۴/۰۶ درصد با سرپرست غیرماهر و ۰/۷ درصد دارای مهارت هستند. همچنین ۰/۱۶ درصد فقرا در خانوارهای زن‌سرپرست

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-03-29]

با شغل عمومی قرار دارند که همگی آن‌ها فاقد مهارت (تحصیلات عالی) هستند. با توجه به این‌که زنان سرپرست خانوار فقیر فقط در ردهٔ غیررسمی بخش عمومی شاغل هستند این نکته بر اهمیت داشتن تحصیلات عالی زنان برای کسب مشاغل رسمی بخش عمومی و خروج از فقر دلالت دارد. در مجموع ۴/۹۲ درصد (تقریباً ۵ درصد) فقرای کشور در بخش عمومی شاغل هستند.

از آن‌جا که نسبت مشاغل عمومی در شهرها به مراتب بیش از روستاهاست، عمده فقیرانی که سرپرست آن‌ها در بخش عمومی، اعم از زن یا مرد، رسمی و غیررسمی، شاغل هستند در شهرها سکونت دارند. از مجموع فقیران در شهر، ۶/۴ درصد در خانوارهای مرد سرپرست شاغل در بخش عمومی و ۰/۲ درصد در خانوارهای زن‌سرپرست به سر می‌برند؛ این نسبت در روستاها ۱/۷ درصد برای سرپرستان مرد و ۰/۱ درصد برای سرپرستان زن می‌باشد. با بررسی نتایج به‌دست آمده در این قسمت می‌توان به اهمیت تأثیر عامل مهارت در فقرزدایی خانوارها پی‌برد. شاید بتوان ماهیت فقر شهری را با توجه به کیفیت مهارت سرپرست خانوارهای فقیر شهری به عامل مهاجرت‌های گسترده از روستا به شهر نسبت داد. اگر این دو تفسیر از وضع فقرا (یعنی نقش فقدان مهارت و مهاجرت از شهر به روستا) به عنوان عوامل مؤثر فقر شهری تفسیر شود، در این صورت می‌توان نتیجه گرفت که سیاست‌های موفق در کاهش و شاید ریشه‌کنی فقر شهری وابسته به توسعهٔ روستایی و ارتقای ظرفیت‌های انسانی در شهر و روستاست.

به این ترتیب، می‌توان وضع فقیران را با توجه به شغل سرپرست خانوار در بخش عمومی با مشاغل رسمی و غیررسمی، مرد سرپرست در مقابل زن سرپرست به شرح زیر جمع‌بندی کرد: در کل کشور احتمال وقوع فقر در خانوارهایی که سرپرست آن‌ها دارای شغل عمومی است برای مشاغل غیررسمی به مراتب بیش از مشاغل رسمی است. این وضع در شهرها نسبت به روستاها با شدت بیش‌تری به زیان فقیران شهری است. در عین‌حال وضعیت فقیران مردسرپرست در بخش غیررسمی به مراتب بدتر از فقیران مردسرپرست در بخش رسمی است و باز وضع فقیران مردسرپرست با شغل غیررسمی در

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-03-29]

شهرها به مراتب بدتر از روستاهاست. همین وضع را می‌توان با شدت کمتری در مورد زنان سرپرست شهری در مقایسه با زنان سرپرست روستایی مشاهده کرد. نقش مهارت یا تحصیلات در تغییر وضع فقرا نقش بسیار محوری دارد به‌طوری که در هر دو بخش رسمی و غیررسمی چه مردسرپرست و چه زن‌سرپرست، چه شهر و چه روستا، عامل اصلی و بسیار تعیین‌کننده‌ای است. به‌ویژه این‌که کلیهٔ فقیران زن‌سرپرست، چه شهری و چه روستایی، متعلق به گروه‌های غیرماهر هستند. به این ترتیب، نوعی تبعیض آشکار در بخش مشاغل عمومی بین مشاغل رسمی و غیررسمی به زیان گروه غیررسمی، بین شهر و روستا به زیان شهرها، بین زن‌سرپرست و مردسرپرست به زیان مردها در شهرها و زن‌ها در روستاها، و بین ماهر و غیرماهر برای هر دو دسته زن‌سرپرست و مردسرپرست، با مشاغل رسمی یا غیررسمی، شهر یا روستا به زیان غیرماهر دیده شود. وجود این سهم از فقیران کشور با سرپرست شاغل در بخش عمومی حاکی از ناکافی بودن دستمزدهای پرداختی در بخش عمومی، حتی برای آن دسته از سرپرست‌هایی که در طبقه‌بندی ماهر و تحصیل‌کرده قرار دارند، است. تبعیض در توزیع منابع و امکانات عمومی به نفع شهر و زیان روستا از مظاهر دیگر عدم توازن در توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی کشور است. محرومیت‌های آموزشی و تحصیلی سرپرست‌های خانوارهای فقیر از دیگر نتایج ارزیابی آنان است که با توجه به نسبت‌های متراکم‌تر در شهرها نسبت به روستاها بیانگر مهاجرت‌های گستردهٔ روستاییان به شهرها و جذب آن‌ها در مشاغل خدماتی عمومی و به صورت غیررسمی است.

بنا بر نتایج منعکس‌شده قسمت عمدهٔ فقیران، در بخش خصوصی شاغل هستند (۸۹/۴۵ درصد)، که ۹۱ درصد آن‌ها در بخش غیررسمی فعال هستند. به این ترتیب ۸۱/۴ درصد فقیران کل کشور، در ردهٔ غیررسمی بخش خصوصی شاغل‌اند. از این عده ۷۳/۶۹ درصد آن‌ها مردسرپرست غیرماهر (۷۵/۷۲ درصد فقیران کل کشور) می‌باشند. با توجه به این‌که از کل فقیران شاغل در بخش خصوصی ۹۱ درصد آن‌ها مردسرپرست فاقد مهارت (۸۱/۴۸ درصد کل فقیران کشور) هستند، این ارقام به خوبی حاکی از آن است که سهم

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-03-29]

فقیران شاغل در بخش خصوصی غیررسمی ۹/۶ برابر بیشتر از فقیران شاغل در بخش خصوصی رسمی است. همزمان سهم فقیران در بخش رسمی مردسرپرست ۷/۸۵ درصد، حدود ۳۵ برابر بیشتر از سهم فقیران در بخش رسمی زن‌سرپرست، (۰/۲ درصد)، است. درحالی‌که در بخش خصوصی غیررسمی این تفاوت حدود ۱۳ برابر (۷۵/۷۲ درصد در مقابل ۵/۶۸ درصد) به زیان گروه خانوارهای فقیر مردسرپرست است. این نسبت‌ها برای خانوارهای مردسرپرست شاغل در بخش خصوصی رسمی ۱۰/۸ درصد در شهرها در مقابل ۲/۴ درصد در روستاها به زیان شاغلان در شهرهاست. اما در همین بخش خانوارهای فقیر زن‌سرپرست شهری در مقابل روستایی تفاوتی را نشان نمی‌دهند. در بخش خصوصی غیررسمی سهم ۷۲/۴ درصد مردسرپرست شهری در مقابل ۸۱/۹ درصد مردسرپرست روستایی و ۵/۳ درصد زن‌سرپرست شهری در مقابل ۶/۴ درصد زن سرپرست روستایی در هر دو مورد به زیان فقیران روستایی است. نقش مهارت‌ها و تحصیلات در کاهش تراکم فقر در هر دو بخش رسمی و غیررسمی و با سرپرست زن و مرد کاملاً برجسته است و نشان‌دهندهٔ آن است که تحصیلات نقش بسیار محوری و تعیین‌کننده در کسب مهارت‌ها و کاهش فقر دارد.

در جمع‌بندی از وضع فقیران مستقر در بخش خصوصی نیز سهم مشاغل سرپرست خانوار در بخش غیررسمی در مقایسه با بخش رسمی به شدت به زیان گروه نخست (بخش غیررسمی) است. مردسرپرست‌ها به مراتب وضعی بدتر از زن‌سرپرست‌ها دارند. به ویژه وقتی که مردسرپرست‌های بخش خصوصی غیررسمی با زن‌سرپرست‌ها در همین بخش مقایسه شود. تبعیض ناشی از توسعهٔ نامتوازن به نفع شهرها فرصت‌های شغلی بیشتر را در هر دو بخش رسمی و غیررسمی در شهرها و به زیان فقیران روستایی فراهم آورده است.

در انتها به تحلیل وضع فقیران کشور که سرپرست آن‌ها در بخش فاقد درآمدهای ناشی از کار با عنوان اجاره‌بگیر یا طبقه‌ای که بهرهٔ مالکانه یا اجاره دریافت می‌کنند، پرداخته می‌شود. این گروه از افراد که نوعاً مالیات نمی‌پردازند و تحت پوشش بیمه‌های اجتماعی

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-03-29]

نیستند، در بخش غیررسمی دسته‌بندی شده‌اند. همان‌طور که از نتایج بر می‌آید در کل کشور، سهم این فقیران با سرپرست مرد (۲/۶۳ درصد) نسبت به زنان (۳ درصد) به شدت به زیان زنان است. این نسبت‌ها در روستا برای مردهای سرپرست خانوار (۲/۳ درصد) در مقابل (۲/۸ درصد) در شهرهاست و برای زنان سرپرست خانوار ۵ درصد در روستاها نسبت به (۱/۹ درصد) در شهرهاست. به این ترتیب، سهم فقیران روستایی با سرپرست مرد و یا زن به مراتب بیشتر از سهم فقیران شهری است. در این بخش سهم مهارت‌ها برای خانوارهای فقیر مردسرپرست در کل کشور (۰/۲۳ درصد) ماهر در مقابل (۵/۴ درصد) غیرماهر، حاکی از تفاوت آن‌ها در حدود ۲۴ برابر به زیان گروه غیرماهر است. زنان ماهر سرپرست خانوار هیچ نسبتی از فقیران را تشکیل نمی‌دهند.

در جمع‌بندی از وضع فقیران که سرپرست خانوار آن‌ها در گروه اجاره‌بگیران شاغل هستند، زنان سرپرست خانوار سهم عمده‌تری نسبت به مردان دارند و فقط در شهر این نسبت به زیان مردسرپرستان است؛ درحالی‌که این نسبت برای زنان سرپرست خانوار در روستاها در مقایسه با شهرها بیش‌تر است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-03-29]

جدول ۸: سیمای فقر در ایران بر حسب مشاغل به تفکیک جنسیت، مهارت و مکان سکونت – ۱۳۸۵

۳-۳) سیمای فقر کودکان

پس از ارائهٔ تصویر نسبتاً جامعی از خانوارهای فقیر در بازار کار ایران، در این بخش سیمای فقر کودکان ارائه می‌شود. در جدول شمارهٔ ۹ سهم کودکان فقیر در بخش‌های مختلف از لحاظ شغل و جنسیت سرپرست خانوار از کل کودکان فقیر نشان داده شده است. جدول فوق حکایت از آن دارد که بالغ بر (۸۹ درصد) کودکان فقیر در خانوارهای مردسرپرست قرار دارند که از این نسبت ۸۰/۵ درصد آن‌ها به خانوارهای مردسرپرست با مشاغل غیررسمی تعلق دارند.

سهم کودکان فقیر در خانوارهای مردسرپرست فعال در بخش خصوصی غیررسمی در روستا از کل کودکان فقیر (۹۱/۲ درصد) تفاوت زیادی با همین شاخص در شهر (۷۴/۸۶ درصد) دارد.

جدول ۹: سیمای فقر کودکان در ایران در ۱۳۸۵

	سرمایه‌دار				خصوصی				عمومی			
	زن		مرد		زن		مرد		زن		مرد	
	غیر	رسمی	غیر	رسمی	غیر	رسمی	غیر	رسمی	غیر	رسمی	غیر	رسمی
روستا	۰/۲۳	۰	۰/۵۳	۰	۵/۶	۰/۰۸	۹۱/۲	۱/۵۷	۰/۱	۰/۰۴	۰/۳	۰/۳۵
شهر	۰/۴	۰	۰/۸۸	۰	۳/۶۳	۰/۰۲	۷۴/۸۶	۱۲/۴۳	۰/۲۴	۰	۰/۹۴	۶/۶
کشور	۰/۳۴	۰	۰/۷۵	۰	۴/۳۱	۰/۰۴	۸۰/۵۸	۸/۶۲	۰/۱۹	۰/۰۴	۰/۷۲	۴/۴۱

منبع: یافته‌های پژوهش

تفسیر دیگری از فقر کودکان برحسب نسبت کودکان فقیر از کل کودکان از لحاظ نوع شغل، جنسیت و محل سکونت سرپرست خانوارهای این دسته از کودکان در جدول شمارهٔ ۱۰ نشان داده می‌شود. بالغ بر (۶۱ درصد) کودکانی که در خانوارهای زن‌سرپرست

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-03-29]

با مشاغل غیررسمی به‌سر می‌برند، فقیر هستند. از کودکانی که در خانوارهای مردسرپرست به‌سر می‌برند حدود ۴۴ درصد فقیرند. نسبت کودکانی که در خانوارهای زن‌سرپرست با شغل رسمی به‌سر می‌برند و فقیرند (۲۲/۴۶ درصد) نزدیک به دو برابر همین نسبت از کودکان در خانوارهای مردسرپرست با شغل رسمی (۱۲/۷۵ درصد) است. این نسبت بین شهر و روستا در هر دو بخش رسمی و غیررسمی برای کل خانوارها به زیان خانوارهای شهری است. نسبت کودکان فقیر که سرپرست‌شان در بخش غیررسمی شاغل است، حدود ۳/۵ برابر کودکان فقیر است که سرپرست‌شان در بخش رسمی شاغل است.

جدول ۱۰: نسبت کودکان فقیر از کل کودکان از لحاظ نوع شغل، جنسیت و محل سکونت سرپرست خانوارها

	درصد بچه‌های فقیر					
	دارای سرپرست با مشاغل رسمی			دارای سرپرست با مشاغل غیررسمی		
	زن سرپرست	مرد سرپرست	کل	زن سرپرست	مرد سرپرست	کل
شهر	۲۴/۵۸ درصد	۱۶/۴۹ درصد	۱۶/۷۱ درصد	۶۱/۸۸ درصد	۴۷/۴۷ درصد	۴۸/۳۵ درصد
روستا	۱۸/۵۲ درصد	۵/۸ درصد	۶/۲۴ درصد	۵۹/۶۲ درصد	۳۶/۶۹ درصد	۳۷/۹۸ درصد
کل	۲۲/۴۶ درصد	۱۲/۷۵ درصد	۱۳/۰۴ درصد	۶۱/۰۹ درصد	۴۳/۷ درصد	۴۴/۷۲ درصد

منبع: یافته‌های پژوهش

۴) جمع‌بندی و توصیه‌های سیاستی

از جمله مهم‌ترین نتایج این تحقیق می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

– بخش عمده‌ای از مشاغل بخش عمومی در مناطق شهری مستقرند که این خود یکی از دلایل دوگانگی و عدم توازن در توسعهٔ بین شهر و روستا در ایران است.

– سهم مشاغل غیررسمی در بخش خصوصی در شهر ۳/۵ برابر مشاغل رسمی است؛ این سهم در روستا چهار برابر مشاغل رسمی است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-03-29]

– در کلیهٔ طبقات شغلی فقیران شاغل در جمعیت شهری سهم بیشتری نسبت به فقیران شاغل در جامعهٔ روستایی دارند.

– اکثر قریب به اتفاق فقیران در ایران در خانوادههای با سرپرست فاقد تحصیلات عالی و مهارت تحصیلی به سر میبرند.

– ۱۰ درصد سرپرست خانوارها را زنان و ۹۰ درصد را مردان تشکیل میدهند.

– ۴۸/۸۵ درصد زنان سرپرست خانوار در فقر به سر میبرند درحالیکه این شاخص برای مردان سرپرست خانوار ۳۰/۳۵ درصد است.

– بخش عمدهای از هزینههای خانوادههای فقیر در گروههای شغلی متفاوت، هزینهٔ مربوط به غذاست. این نتیجه تأیید فرضیهٔ انگل است که بنا بر آن، هرچه سهم غذا از کل مخارج یک خانوار بیشتر باشد، احتمال فقیر بودن آن خانوار بیشتر است. بر اساس این نتایج میتوان خانوارهای فقیر را بر حسب شدت فقرشان، رتبهبندی کرد: بر این اساس، خانوارهای غیررسمی بخش خصوصی در رتبهٔ نخست قرار میگیرند و پس از آنها خانوارهای غیررسمی بخش سرمایهدار، غیررسمی عمومی، رسمی بخش خصوصی، و رسمی بخش عمومی قرار دارند.

– نسبت کودکان فقیری که در خانوارهای زنسرپرست شاغل در هر دو بخش رسمی و غیررسمی و در هر دو منطقهٔ شهری و روستایی بهسر میبرند، بیش از نسبت کودکان فقیری است که در خانوارهای مردسرپرست بهسر میبرند.

– در کل کشور نسبت کودکانی که در خانوارهای زنسرپرست با مشاغل غیررسمی بهسر میبرند تقریباً سه برابر کودکان ساکن در خانوارهای زنسرپرست با مشاغل رسمی است. همین نسبت برای کودکان ساکن در خانوارهای مردسرپرست بیش از سه برابر است.

– کودکانی که در خانوارهای شهری در هر دو بخش رسمی و غیررسمی زندگی میکنند، در مقایسه با کودکان روستایی فقیرترند.

– کودکان فقیری که سرپرستشان در بخش غیررسمی شاغل است حدود ۳/۵ برابر بیشتر از کودکانی که سرپرستشان در بخش رسمی شاغل است، فقیرترند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-03-29]

با توجه به این نتایج، می‌توان موارد زیر را برای کاستن از فقر کودکان به سیاست‌گذاران توصیه کرد:

• از آن‌جا که مبارزه با فقر مطلق و ریشه‌کنی آن کاری درازمدت است و با برنامه‌ریزی منسجم احتمالاً یک یا دو دهه طول می‌کشد، لذا توصیه می‌شود منابع عمومی به‌جای تخصیص یافتن به والدین این قبیل کودکان، صرف کاهش فقر کودکان شود. تخصیص هر میزان منابع عمومی و پرداخت‌های انتقالی به اولیاء کودکان فقیر باید تضمین‌کنندهٔ حضور کودکان در فرایند آموزش‌های رسمی و مراجعهٔ منظم به مراکز بهداشتی و درمانی برای حصول اطمینان از این موضوع باشد که کودک فقیر، امروز ظرفیت‌های خروج خود و احتمالاً خانواده‌اش را با ارتقای قابلیت‌های نیروی انسانی خود در زمان ورود به بازار کار خواهد داشت.

• کیفیت آموزش‌های رسمی عمومی، شرط موفقیت برای دست‌یابی به فرصت‌های برابر برای کودکان فقیر و مشارکت آن‌ها در فرایند تولید و نیز بهره‌مندی از منافع محصول اجتماعی است. از این رو، ارتقای کیفیت نظام آموزشی در کشور شرط لازم برای ریشه‌کنی فقر مطلق کودکان در آیندهٔ نزدیک است.

• اصلاح قوانین کشور برای صیانت از حقوق کودکان به‌منظور دست‌یابی به فرصت‌های برابر برای همهٔ کودکان و تحقق وعده‌های قانون‌اساسی در فراهم‌آوردن تضمین‌های لازم برای یک زندگی رو به رشد برای آن‌ها الزامی است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-03-29]

منابع

References

- ابراهیمی، زهرا. (۱۳۸۵)، **اندازه‌گیری فقر در ایران**، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه الزهرا(س).
- داورپناه، صفورا. (۱۳۸۷)، **ارائهٔ سیمای فقر با توجه به بازار کار طبقه‌بندی شده در ایران- ۱۳۸۵**، پایان نامهٔ کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه الزهرا(س).
- مرکز آمار ایران. (۱۳۸۵)، **اطلاعات مربوط به طرح هزینه درآمد خانوار**، تهران، انتشارات مرکز آمار ایران.

- Agenor, Pierre-Richard, A. Izquierdo, and H. Jensen (2007). **Adjustment Policies, Poverty, and Unemployment**. Oxford, Blackwell
- Foster, James, J. Greer and E. Thorbecke (1984). ″A class of Decomposable Poverty Measures″. **Econometrica**, 52, pp. 761-765.

.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-03-29]